ویژه دفاع مقدس

گفت‌وگو با کارشناسان حوزه رسانه و ارتباطات درباره نقش رسانه‌ها در تبیین و معرفی ارزش‌های دفاع مقدس

روایت جنگ با جذابیت‌های نوین رسانه‌ای برای نسل جدید

محبوبه مصرقانی
خبرنگار

چهل و یک سال از عمر جنگ تحمیلی می‌گذرد و در تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی هشت سال دفاع مقدس فصل فراموش نشدنی و مانا است. رسانه‌ها نیز نقش بی‌بدیلی در جریان انعکاس و انتقال رشادت‌ها و اشاعه فرهنگ ایثار داشته‌اند و کارشناسان معتقدند با گذشت سالیان رسانه‌ها همچنان نقش بسزایی در زنده نگهداشتن هشت سال دفاع مقدس ایفا می‌کنند. به باور کارشناسان مقاومت در برابر جنگ تحمیلی نقطه عطفی در جمهوری اسلامی ایران بود که رسانه‌ها باید با دستاویز بسیج همگانی در اشاعه فرهنگ مقاومت و انتقال مفاهیم و رویدادها همچون گذشته کوشا باشند و چراغی را فرا روی آیندگان روشن سازند. کارشناسان حوزه ارتباطات می‌گویند رسانه‌ها با الگوسازی زندگی و سیره شهدای هشت سال دفاع مقدس و دلاوری‌ها و رشادت‌های رزمندگان و جانبازان می‌توانند چهره این ایثارگران را برای نسلی که جنگ را ندیده‌اند ماندگار سازند.

تبیین چهره جنگ برای نسل جدید

دکتر گیتا علی‌آبادی رئیس دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها در مورد نقش رسانه‌ها در زنده نگهداشت و تبیین زوایای پنهان جنگ برای نسل جوان کشور اینگونه می‌گوید:« رسانه‌ها از دیرباز به اطلاع رسانی، تنویر افکار عمومی و ارتقای سطح دانش مخاطبان شناخته شده‌اند. اما در زمان جنگ چه ارتباطی میان رسانه و جنگ پدید می‌آید؟ آیا رسانه جنگ را فقط به عنوان رویداد حاوی ارزش برخورد و در قالب یک هدف نگاه می‌کند یا در قالب یک وسیله کمکی برای جنگ تلقی می‌شود؟ یا شاید رسانه خود بازیگردان جنگ باشد؟ به هر روی جنگ یک رویداد انکارناپذیر است که در کنار آثار مخربش، به پیشرفت بشر در علوم و فنون مختلف نیز کمک کرده است. همانگونه که جنگ‌افروزی از منظر اخلاق رسانه‌ای منع شده است، رعایت اصول و معیارهای اخلاقی بویژه در هنگام بحران‌ها و جنگ بسیار مهم است. احترام به ارزش‌ها و حفظ تمامیت ارضی یک کشور در هنگامه جنگ امری است که باید مدنظر دست‌اندرکاران رسانه‌ای قرارگیرد. رعایت این مهم هم بر سیاست داخلی و هم بر سیاست خارجی تأثیر بسزایی دارد. رسانه‌ها در کنار ارائه پیروزی‌ها و اخبار امیدبخش به دفاع از سیاستگذاری‌های داخلی نیز می‌پردازند که خود عامل دلگرمی مردمان سرزمین درگیر جنگ می‌شود. بسیاری این نکته را مطرح می‌کنند که حضور نظامیان در جنگ از منظر رسانه‌ها به واژه سانسور خبری رنگ دیگری می‌بخشد، اما برای حفظ امنیت، ندادن اطلاعات صحیح به دشمن و امیدآفرینی در جامعه امری لازم به نظر می‌رسد. در این میان بیان آنچه در میدان‌های جنگ می‌گذرد گاه از عهده یک نوشته خارج است و برای داشتن یک درک عمیق راه‌های دیگری در دسترس رسانه‌ها قرار دارد. عکاسی، ضبط صدا و فیلمبرداری از مهم‌ترین شیوه‌هایی است که هم بخوبی مخاطب را آگاه می‌سازد و هم ماندگاری آن برای نسل‌های بعدی حائز اهمیت است. در عین حال رسانه‌ها این توانایی را دارند که با بسیج همگانی به ترغیب داوطلبانه و جمع‌آوری کمک‌های مردمی نیز بپردازند. ایران نیز در ۸ سال دفاع مقدس از این قاعده مستثنی نبود. هر چند که با گذشت زمان و دور شدن از روزهای پر فراز و نشیب جنگ التهاب آن کم‌رنگ‌تر می‌شود اما هرساله روزهای آغازین آن یادآور رشادت‌های فرزندان این مرز و بوم است. در آن زمان وسایل ارتباطی به پیشرفتگی امروز نبود و اکثراً اخبار و اطلاعات جنگ از طریق خبرگزاری یا خبرنگاران و عکاسان اعزامی به جبهه‌ها تهیه و ارسال می‌شد. حضور همین افراد در جبهه‌ها بود که سبب شد تاریخ ۸ سال دفاع مقدس ثبت و ضبط شود و امروز در اختیار نسل‌هایی که در آن زمان نبودند، قرار گیرد. فیلم‌هایی که می‌توانند همه را به داخل سنگرها و خاکریزهای جنگ بکشانند. خاطراتی که برای بسیاری خوشحال‌کننده و گاه دردآور است، پیروزی‌ها و شکست‌های تلخی که بخشی از تاریخ یک ملت را می‌سازد.»

به گفته رئیس دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، «فناوری‌های جدید و استفاده از فضای مجازی وسیله‌ای برای انعکاس گسترده وقایع گذشته را فراهم کرده است.» او در ادامه می‌گوید:« تدوین فیلم‌ها، صداگذاری‌ها، تهیه موشن‌گرافی و نمونه‌هایی از این دست کارآمدی رسانه‌ها را دو چندان کرده است و توانسته مخاطبان فراوانی را در گوشه و کنار جهان به‌دست آورد. ساخت انیمیشن‌هایی از زمان جنگ که به زندگی ایثارگران، آزادگان و شهدای جنگ تحمیلی می‌پردازد به‌راحتی آنچه را در حافظه تاریخی مردم قرار دارد به تصویر کشیده و در اختیار نسل جدید و نوجوان کشور قرار می‌دهد. آنچه مسلم است رسانه‌ها نقش مؤثری در تولید و بازنمایی وقایع و رویدادهای مهم جهان از جمله جنگ‌ها دارند و به راحتی تجربیات و آثار ماندگار آنها را در اختیار نسل‌های آینده قرار می‌دهند.

رسانه‌ها باید از تحریف تاریخ جلوگیری کنند

حسن عابدینی نویسنده و رزمنده دفاع مقدس با ذکر نکاتی در مورد جلوگیری از تحریف تاریخ دفاع مقدس اینگونه می‌گوید:« در تاریخ ملت‌ها نقاط عطفی وجود دارد که عدم توجه به آنها ممکن است هم سبب تحریف تاریخ شود و این عدم توجه ممکن است مسبب آن شود که آیندگان را نسبت به آنچه در آن مقطع زمانی یعنی هشت سال دفاع مقدس گذشت، دچار خطای تحلیل کنند. ما در دوران چهل و دو ساله انقلاب اسلامی شاهد یک جنگ هشت ساله‌ای بودیم که تقریباً به اندازه یک پنجم کل عمر جمهوری اسلامی به درازا کشید. این واقعه نباید به دست فراموشی سپرده شود. لذا رسانه‌ها نقش کلیدی در انتقال مفاهیم و تحولات و رویدادها و راهبردهایی که در آن مقطع زمانی اتخاذ شد، دارند. رسانه‌ها وظیفه دارند تاریخ هشت ساله دفاع مقدس را همچون چراغی فرا روی حرکت آیندگان روشن سازند.»

دفاع مقدس همچنان برای بسیاری زوایای پنهان دارد

او در مورد نکاتی که رسانه و فعالان حوزه ارتباطات باید درنظر گیرند، این‌گونه توضیح می‌دهد:« به نظر می‌رسد که رسانه‌ها از چند جنبه می‌توانند به این موضوع بپردازند. یک آنکه چرا جنگ اتفاق افتاد؟ جمهوری اسلامی در آن مقطع زمانی یکی، دو سال بیشتر از عمرش نگذشته و یک نهال نوپا بود و شاهد بودیم که رژیمی متجاوز جنگی برای این سیستم نوپا تدارک دید. باید برای آیندگان جزئیات به وقوع پیوستن این واقعه روشن شود. نسل جدید ما که جنگ را ندیده‌اند باید بدانند فقط صدام به دنبال جنگ بود یا نه پشتیبانانی نیز داشت؟ این مهم که در آن زمان شرق و غرب، اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا، که دو قطب تأثیرگذار نظام بین‌الملل بودند همزمان در این مورد خاص با یکدیگر برای پشتیبانی از عراق اشتراک نظر داشتند. نکته دوم این است که راهبردی که جمهوری اسلامی اتخاذ کرد برای جلوگیری از اشغال جمهوری اسلامی ایران در برابر متجاوزان. نکته دیگر شناساندن افراد مؤثر و سیره رفتاری و اخلاقی آنها طی هشت سال دفاع مقدس به جوانان و افرادی است که در آن زمان شاهد جنگ نبودند و افراد کلیدی که در زمان مذکور رشادت های بسیار برای خاک ایران به خرج دادند، نمی‌شناسند. رسانه‌ها و حوزه مطبوعات نقش مهمی در شناساندن این افراد به جوانان دارند. سیاست‌هایی که این افراد برای جلوگیری از اشغال و صدمه بیشتر این جنگ به کشور و مردم اتخاذ کردند از اهمیت بسزایی برخوردار است. نکته بعدی معرفی نیروهای جوانی است که در آن زمان پیشقراول مبارزه با نظام سلطه شدند و از مرزها دفاع کردند که شامل فرماندهان و افراد مؤثر در این حوزه می‌شوند. نکته پنجم که رسانه‌ها باید در انتقال آن به نسل جدید کوشا باشند نشان دادن تفکر بسیجی در آن زمان است که سبب شد مردم از چهار گوشه کشور در صحنه جنگ حضور یابند و داوطلبانه برابر رژیم تا دندان مسلح صدام که از سوی کشورهای مختلف مورد حمایت قرار می‌گرفت، ایستادند.

نکته بعد تلاشی بود که قدرت‌های بزرگ و نهادهای بین‌المللی انجام دادند تا بتوانند ایران را به زانو در آورند. آنها هر زمان که ایران در نقطه ضعف قرار گرفت حاضر نبودند کوچکترین اقدامی را برای جمهوری اسلامی ایران انجام دهند. آنها زمانی قطعنامه ۵۹۸ را صادر کردند که جمهوری اسلامی در موضع قدرت بود و ما توانسته بودیم بخش زیادی از سرزمین‌های کشورمان را آزاد کنیم. نکته بعدی که خوب است نسل آینده از طریق رسانه‌ها آگاه شوند، نقشی است که مخالفان و منافقین در حمایت از رژیم صدام ایفا کردند. این موضوع تاریخ بسیاری دارد که آیندگان و نسل جدید باید از آن با خبر باشند. این تاریخ باید برای نسل جدید موشکافی شود که چرا منافقان و مخالفان بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در چهارچوب عملیات مرصاد به کشور حمله‌ور شدند تا شاید بتوانند ضربه آخر را به جمهوری اسلامی ایران بزنند. نشان دادن شگردهای عملیاتی رزمندگان اسلام که در این هشت سال اتخاذ کردند نکته دیگری است که نباید آن را نادیده گرفت. این نکته در آموزش جوانان و نوجوانان نقش پر رنگی دارد. شگردهای عملیاتی رزمندگان اسلام سبب شگفتی همه کارشناسان نظامی شد. مانند اتفاقاتی که در والفجر ۸، عملیات بیت‌المقدس و فتح‌المبین رخ داد. اینها موضوعاتی است که پس از سال‌ها هنوز هم برای بسیاری زوایای پنهان دارد و هستند کسانی که از آن بی‌خبرند. همچنین می‌توان به جزئیات بسیار دیگری اشاره کرد که به نظر موقع آن است که رسانه‌ها به آن بپردازند تا به بوته فراموشی سپرده نشوند. چرا که هنوز در مورد جنگ جهانی دوم سینماگران و رمان نویسان و کسانی که تحلیلگر هستند همچنان می‌نویسند تا جنگ تجاوزکارانه خود را به گونه‌ای جنگ حق‌طلبانه جلوه دهند. یا جنگی که امریکایی‌ها علیه افغانستان و عراق تدارک دیدند. در صورتی که کشور ما در آن زمان مورد هجوم قرار گرفت و این ما نبودیم که آغازگر جنگ باشیم بلکه جنگ بر ما تحمیل شد و ما پیروزمندانه از آن سربلند بیرون آمدیم. بنابراین ما باید از این تلاش بر حقی که برای جلوگیری از اشغال سرزمین ایران صورت گرفت، جزئیات را بیان کنیم که مایه افتخار نسل آینده و عبرت آموز برای آیندگان باشد.»

این رزمنده با اشاره به اینکه فضای مجازی می‌تواند ابزاری قدرتمند برای رسانه در ترویج فرهنگ مقاومت و مبارزه در برابر متجاوزان باشد، ادامه می‌دهد:« ناگفته نماند در حال حاضر شبکه‌های اجتماعی نیز نقش بسزایی در تأثیرگذاری بر افکار جوانان دارند و شبکه‌های اجتماعی در عصری که هر نفر یک رسانه تلقی می‌شود و افراد و رسانه‌ها از جایگاه کانونی برخوردار هستند، طبعاً رسانه‌ها می‌توانند تولیدات متناسب با شبکه‌های اجتماعی مانند فیلم‌های کوتاه و داستان‌های جذاب از افرادی که در این حوزه‌ها در مقاطع خاصی از هشت سال دفاع مقدس جنگیدند، تهیه کنند. این تولیدات براساس نیاز شبکه‌های اجتماعی باید کوتاه و گویا باشد و در درگاه‌های متنوع منتشر شود. فراموش نکنیم که همان کسانی که در دوران دفاع هشت ساله بر ضد ملت ایران متحد بودند و تلاش زیادی کردند تا ایران را وادار به تسلیم کنند هم‌اکنون هم اقدام به تحریف تاریخ می‌کنند و بخش زیادی از اینها کسانی هستند در شبکه‌های تلویزیونی بیگانه مانند شبکه وابسته به ملکه بریتانیا، شبکه وابسته به امریکا و... فعال هستند. مگر می‌شود آن زمانی که اینها میلیاردها دلار به صدام کمک کردند در حال حاضر از حق مسلم مردم ایران در زمان جنگ دفاع کنند. رسانه‌های دولت‌های مختلف بیگانه که به صدام کمک می‌کردند در حال حاضر در قالب قدرت نرم در حال فعالیت هستند و مسیر پیشین خود را ادامه می‌دهند چرا که قدرت سخت در برابر ملت ایران شکست خورده است. بنابراین رسانه‌ها باید از ابزار شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند و با تکیه بر آرمان‌های انقلاب اسلامی وتولید محصولاتی، در راستای آگاه‌سازی جوانان قدم بردارند. که البته با اشاعه و آگاه‌سازی آثار هشت سال دفاع مقدس، نسل آینده موجب افتخار آنها به پایداری‌های دفاع مقدس خواهد شد.»

تولید محتوای جذاب از دفاع مقدس در شبکه‌های مجازی

علیرضا آل داوود فعال حوزه ارتباطات و فضای مجازی نیز نقش رسانه ها را در تبیین صحیح دفاع مقدس بسیار مهم می داند و می‌گوید:« ما باید دفاع مقدس را درشت نشان دهیم باید آن را از منظر رسانه‌ای درست نشان دهیم. بحث رسانه ها آنقدر در زمان دفاع مقدس مهم بود که حتی پس از سال ها تولیدات شهید آوینی را ماندگار کرد. مستندسازی دقیق از دفاع مقدس و دشواری‌ها و سختی هایی را که در آن دوران بر رزمندگان ما گذشت بخوبی نشان داد. اما با همه این تفاسیر به نظر من رسانه‌ها هنوز حق مطلب را در خصوص دفاع مقدس کامل ادا نکرده‌اند. نکته بسیار مهمتر این است که ما باید برای جلوگیری از فراموش شدن دستاوردها و دلاور مردی‌های شیر مردان ایرانی در دفاع مقدس و در مقابل ارتش متجاوز صدام که از همه نوع تجهیزات نظامی، اطلاعاتی و امنیتی و هواپیماهای جاسوسی که بیش از ۵۰ کشور دنیا به صدام کمک می‌کردند باید نسل جدید را آگاه کنیم. نسل جدید باید بداند که چرا هشت سال دفاع مقدس رخ داد و یورش وحشیانه صدام به خاک جمهوری اسلامی ایران با چه نیتی دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران اتفاق افتاد و چرا ۸ سال طول کشید؟ چرا آلمانی‌ها و غربی‌هایی که ادعای حقوق بشری‌شان می‌شود به صدام بمب شیمیایی دادند؟ و موضوعات این چنینی که طی هشت سال دفاع مقدس شاهدش بودیم. نسل جدید ما باید از تعداد واقعی شهیدان که به سبک ناجوانمردانه‌ای به شهادت رسیدند با خبر شوند. اینها موضوعاتی است که رسانه ها باید به نسلی که جنگ را ندیده است انتقال دهد و در راه روشن‌سازی افکار قدم بردارد. رسانه‌ها حتی می‌توانند به تشریح آب و هوای خوزستان در زمان جنگ بپردازند. از فصل تابستان که عملیات‌های مختلفی در آن انجام شد گرفته تا فصل زمستان. با نشان دادن چهره واقعی جنگ و اطلاع‌رسانی در مورد شش ماهه تابستان آن سال‌ها که خوزستان آب وهوای سختی را برای رزمندگان به همراه داشت. حتی در شمال غرب و غرب کشور در شش ماهه زمستان و پاییز که بسیار سرد بود چه مشکلاتی برای مبارزان ما به‌وجود آمد و شهدای ما چگونه در مقابل متجاوز در آن شرایط آب و هوایی مقاومت کردند. این یکی از نکات مغفول مانده زمان جنگ است که رسانه‌ها تا به امروز کمتر به آن پرداخته‌اند. اینها باید از طریق رسانه ها با شیوه‌ای درست به جوانان و نسل جدید اطلاع رسانی شود.»

او با اشاره به کارکرد فضای مجازی و نقش اطلاع رسانی در این فضا در مورد جنگ تحمیلی اینگونه ادامه می‌دهد:« با گسترده شدن فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها اولین نکته‌ای که وجود دارد بحث تولید محتوای مؤثر در بحث دفاع مقدس است که باید با ذائقه روز مخاطب جامعه و نوجوان و جوان تولید محتوا صورت گیرد. به‌طوری که محتوا هم اغنایی باشد هم آگاه ساز و هم عمق رشادت‌ها را نشان دهد. به نظر من از طریق کمپین‌هایی در حوزه دفاع مقدس می‌شود الگوسازی‌های بسیار خوب و مفیدی از دلاور مردان شهیدی که در دفاع مقدس جنگیدند، کرد. الگوسازی از شخصیت‌هایی مثل شهید بابایی که جزء نفرات اول دانشکده پرواز در امریکا بود یا شهید چمران که در رشته خود نفر اول در دنیا بود که آمد و از وطن، اعتقاد و ناموسش دفاع کرد و اجازه نداد حتی یک سانت از سرزمین به دست دشمن بیفتد. این دومین کاری است که باید انجام شود یعنی رسانه‌ها در فضای مجازی به سمت الگوسازی از شهدای مقدس و دلاوردان ما بروند. نکته سوم و حائز اهمیت دیگر این است که تولید محتوای مؤثر و ماندگاری در این فضا انجام شود. در حال حاضر در بحث فضای مجازی با جنگی به نام جنگ نرم و جنگی شناختی روبه‌رو هستیم که برای آن هم باید یک دفاع مقدسی تعریف کرد. رسانه‌ها باید در حوزه آفند و هم در حوزه پدافند تولید محتوا کنند. تا جوانان ما با تأثیر از عملکرد شهدای انقلاب اسلامی در حوزه جنگ شناختی و جنگ نرمی که در جریان است نقش‌آفرینی و بصیرت‌افزایی کنند و با دشمن در این فضا مقابله کنند.»

چند روایت از جنب و جوش پشت جبهه در محلات تهران

کاش این مربا به دست پسرم برسد

یوسف حیدری
خبرنگار

«انگار همین دیروز بود مادر با وسواس خاصی در رب‌های گوجه را محکم می‌کند. صدای صلوات حیاط خانه را پر کرده و همسایه‌ها برای سلامتی رزمنده‌ها دعا می‌کنند. کبری خانم می‌گوید زینب جان برو بیرون ببین اگر وانت کمک به جبهه رسیده بگو چند دقیقه توقف کند تا این بطری‌های رب گوجه و آجیل‌ها را هم بفرستیم. با شوق زیاد به انتهای کوچه خیره می‌شوم. بچه‌ها مثل همیشه مشغول بازی هستند. با شنیدن صدای راننده که کمک‌های مردمی را جمع می‌کند به سرعت خودم را به وانت می‌رسانم.

یادم می‌آید زهرا خانم عصا زنان خودش را به وانت رساند و کوپن قند و شکر یک نفره‌اش را به راننده داد و گفت مادر جان! من قند و شکر مصرف نمی‌کنم و پای ایستادن در صف و خرید هم ندارم. این کوپن من، بی‌زحمت خودتان بگیرید و برای رزمنده‌ها ببرید.»

زینب خانم با هیجان خاصی روزهای جنگ را روایت می‌کند. روزهایی که همه برای جنگ بسیج شده بودند. آنهایی که می‌توانستند به جبهه می‌رفتند و آنهایی که توان رفتن نداشتند پشت جبهه کمک می‌کردند. روزهایی که صدای آژیر قرمز دلهره عجیبی به دل می‌انداخت و چراغ‌ها خاموش می‌شد. زینب از نسل دهه ۵۰ است و می‌گوید زندگی خیلی از بچه‌های دهه ۵۰ و اوایل ۶۰ با خاطرات روزهای جنگ و موشکباران، کمک به جبهه‌ها و استقبال از شهدا گره خورده است: «مگر می‌شود دهه پنجاهی یا شصتی باشی و روزهای جنگ را فراموش کنی؟ ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ را فراموش نمی‌کنم. روزی که رادیو اعلام کرد عراق به ایران حمله کرده و صدام اعلام جنگ داده است. پدرم با چهره درهم و مادرم با نگرانی اخبار رادیو را گوش می‌کردند. کلاس اول ابتدایی بودم و فکر می‌کردم جنگ هم بازی است. از فردای آن روز مارش نظامی آهنگ دلنشین ما بود. کسی فکر نمی‌کرد این جنگ هشت سال طول بکشد. من چیزی از جنگ نمی‌دانستم و باید درس می‌خواندم. روزها به‌سرعت سپری می‌شدند و هر روز اخبار رادیو و تلویزیون از شکست دشمن و پیشروی رزمندگان اسلام می‌گفتند.»

زینب از کمک‌های مردمی به جبهه و استقبال از شهدا می‌گوید: «ما هر روز آماده استقبال از شهدا می‌شدیم. هر کوچه‌ای که قرار بود شهید بیاورند همسایه‌ها دست به کار می‌شدند تا مراسم آبرومندی باشد. آن روزها آپارتمان‌نشینی کم بود و در همه خانه‌ها باز بود. روز قبل بسیجیان محل با بلندگو ساعت تشییع پیکر شهید را اعلام می‌کردند و حجله‌ها به سرعت در کوچه و خیابان برپا می‌شد. همسایه‌ها کوچه را آب و جارو می‌کردند. هر کسی هم که گلدان داشت می‌برد وسط کوچه. لامپ‌های مهتابی کوچه را روشن می‌کردند. صبح روز بعد همه برای تشییع پیکر شهید ابتدای خیابان جمع می‌شدند و با آمدن آمبولانس ولوله‌ای به پا می‌شد. قیامت می‌شد. صدای ضجه و گریه خانواده شهید با تکبیر مردم آسمان را پرمی‌کرد. پیکر شهید روی دست مردم به طرف خانه شهید روانه می‌شد و همه باهم شعار می‌دادند این گل پرپر از کجا آمده/ از سفر کرب وبلا آمده. رسم بود شهید برای آخرین بار به خانه‌اش برود. بعد از نماز و بدرقه شهید همه محل برای خاکسپاری به بهشت زهرا می‌رفتند.»

محمود می‌گوید مادرم انگشتر طلایی را که سر عقد پدرم به او هدیه داده بود داخل صندوق کمک‌های نقدی انداخت و این تصویر از آن روزها همچنان در ذهن من زنده است: «سال‌های ۶۴ و ۶۵ با دیدن وانت تویوتای خاکستری که دو بلندگوی بزرگ روی آن نصب شده بود با شوق زیاد دنبالش می‌دویدیم. از بلندگو مارش نظامی پخش می‌شد و یک نفر مردم را برای کمک به جبهه دعوت می‌کرد. یکی پتو می‌داد یکی هم پول و مواد غذایی کنسروی. زن‌های محل خانه ما جمع می‌شدند و رب می‌پختند. ما در محله نیروگاه قم زندگی می‌کردیم و تقریباً هر روز یک شهید برای تشییع می‌آوردند. فقط چند سال از ما بزرگتر بودند و تصور می‌کردم اگر جنگ ادامه پیدا کند من هم چند سال دیگر باید به جبهه بروم. همسایه‌ها هم احترام زیادی برای خانواده شهید قائل بودند. مثلاً اگر عروسی داشتند حرمت نگه می‌داشتند و صدای ضبط را بلند نمی‌کردند. یادم هست زمان موشکباران به روستای پدری‌ام رفتیم و من هم یک سال در مدرسه روستا درس خواندم. خیلی از مردم تهران و شهرهای اطراف برای در امان ماندن از موشک و بمباران هوایی به روستاها و شهرستان‌ها کوچ می‌کردند.»

با شروع موشکباران تهران تقریباً یک سوم جمعیت تهران به شهرستان‌ها و روستاها رفتند ولی ما چون جایی نداشتیم، ماندیم. وقتی اعلام می‌شد موشک در راه است، با برادرانم به پشت بام می‌رفتیم و مسیر موشک‌ها را با چشم دنبال می‌کردیم. یک بار یکی از آنها به ساختمان پزشکی قانونی در پارک شهر که خیلی به ما نزدیک بود اصابت کرد. قبل از اصابت هم قسمت انتهای موشک در هوا جدا می‌شد و یادم هست که یکی از این پوکه‌ها که اندازه آبگرمکن بود سر کوچه ما روی یکی از خانه‌ها افتاد. کمک‌های مردمی به جبهه هم خاطرات خاص خودش را دارد. قلک‌های سبز رنگی هم داشتیم که شکل نارنجک یا تانک بود و مدرسه به ما می‌داد تا کمک‌های نقدی به جبهه را داخل آن بریزیم.»

محمود می‌گوید: «هفته‌ای نبود که کوچه ما میزبان شهید نباشد. از کوچه ما در محله خزانه ۱۴ نفر شهید شدند و به همین دلیل اسم کوچه ما شد کوچه شهدا.» محمود برادر شهید است و ساکن محله خزانه. خاطرات زیادی هم از تشییع شهدای جنگ و کمک به جبهه‌ها دارد: «وقتی خبر شهادت یکی از بچه‌های محل را می‌آوردند همه محل بسیج می‌شدند. جوان‌های محل حجله می‌زدند و همسایه‌ها به کمک خانواده شهید می‌رفتند تا مراسم تشییع و ختم را آبرومندانه برگزار کنند. همبستگی و همدلی خاصی بین مردم بود. برادرم که شهید شد از کمیته به یکی از کسبه محل اطلاع دادند و او مأمور شد به ما خبر بدهد. آن بنده خدا هم نتوانسته بود و به یکی از همسایه‌ها گفته بود و زن همسایه خبر شهادت برادرم را به مادرم داد. همه محل روز تشییع پیکر برادرم آمدند و هر کسی گوشه‌ای از کار را گرفت.

آن روزها مسجد محل هر روز برای رزمندگان کمک جمع می‌کرد و اهالی محل کمک‌های‌شان را به مسجد می‌دادند. پدرم هر روز یک سکه پنج تومانی به من می‌داد و من با شوق زیاد سکه را داخل جعبه کمک‌های نقدی می‌انداختم. قبل از شهادت برادرم پیش خودم می‌گفتم کاش این سکه‌ها به دست برادرم برسد. یکی از خاطراتی که فراموش نمی‌کنم بدرقه رزمندگان برای اعزام به جبهه بود. بچه‌های محل از زیر قرآن رد می‌شدند تا سوار اتوبوس شوند و گروه موسیقی کمیته انقلاب اسلامی مارش نظامی می‌زد و ما برای رزمنده‌ها دست تکان می‌دادیم. لحظه آخر به چهره آنها خیره می‌شدم تا اگر شهید شدند صورت‌شان را فراموش نکنم. چه روزهایی بود!»